

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۸۱-۱۰۳

## میراث پیشافلسفی یونان باستان و تأثیر آن در فرجام نگری زرتشتی<sup>۱</sup>

سید توفیق حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

### چکیده

کهن ترین مکاشفات آخرت شناسانه دین زرتشت را می توان در سروده های خود زرتشت یعنی در گاهان بازیافت که در آن تصویری از آینده با دورنمایی روشن از پیروزی راستی بر دروغ به شرح آمده است. هرچند بنا به سرشت مکاشفه ای این متن، آینده به تصویر درآمده در آن، به شکلی محتوم و جبری توصیف شده است، با این وجود، تأکید اصلی زرتشت در این پیروزی بر ابزار اختیار یا گزیداری بشر است. درحقیقت، روشن ترین فهم از اندیشه زرتشت پیشرفت و تعالی سیر اخلاقی است که در نتیجه آن بشر با اختیار خود راستی را گزینش می کند. پس از متون گاهانی اوستا و نیز بخش های کوتاهی از اوستای نو، مستقل ترین روایات از مکاشفات آخرت شناسانه این دین را می توان در متون پهلوی بازیافت. نکته شایان توجه آنکه، مکاشفات روایت شده در این متون در تصویری کاملاً متضاد با اندیشه های زرتشت، آینده ای تاریک و رو به تباهی از سرانجام بشر ارائه می دهند که در بخشی از آن متون، این تباهی با بن مایه نمادینی از فلزات به تصویر درآمده است. این دوگانگی در توصیف سرانجام در سنت دین زرتشتی بی تردید نشان از تحول در سرشت فکری و ساختار اندیشه فلسفه تاریخ دین زرتشتی دارد که تحت تأثیر دگرگونی های سیاسی و اجتماعی دنیای مزدیسنان و مواجهه دین زرتشتی با اندیشه های دیگر رخ داده است. بر این مبنای مسئله اصلی این پژوهش واکاوی در چگونگی تحول در اندیشه های مکاشفه گرایانه دین زرتشت و به ویژه خاستگاه بن مایه تقسیم اعصار با بن مایه فلزات در متون متأخر دین زرتشتی است. این پژوهش ضمن بررسی و تأمل در متون و منابع دین زرتشتی و آثار یونانی و رومی به این نتیجه دست می یابد که با دگرگونی های سیاسی و فروپاشی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2023.42183.1639

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1401.32.29.4.0

۲. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. t.hosseini@alzahra.ac.ir

حکومت هخامنشیان و تسلط حکومت مقدونی بر سرزمین مزدیسنان، آثار مکاشفه‌گرایانه دین زرتشتی برای تبیین و توجیه موقعیت پیش‌آمده، تکوین و تطور یافتند. این روایات با استفاده از بن‌مایه‌ها و آثار مکاشفه‌گرایانه رواقی - هلنی از جمله متون سیبولایی که در آن تصویری رو به تباهی از سرانجام بشر ارائه داده است، وضعیت آشوبناک جامعه مزدیسنی را پس از سقوط هخامنشیان توجیه‌پذیر و دریافتنی کردند.

**کلیدواژه‌ها:** آخرت‌شناسی، مکاشفات آخرت‌شناسانه، بن‌مایه اعصار تقسیم اعصار هسیودی، فرجام‌باوری زرتشتی.

#### مقدمه

گونه دینی مکاشفه‌گرایانه که نام خود را از عنوان کتاب مکاشفات یوحنا در متن کتاب مقدس عهد جدید گرفته است، به‌گونه‌ای از روایات دینی اطلاق می‌شود که اخباری از سرنوشت بشر و آینده جهان در آن به روایت درآمده است که عموماً این روایات به واسطه مکاشفه شخصی یا توسط نیروها و موجودات فراطبیعی همچون فرشتگان یا ایزدان بر شخص راوی آشکار شده است. به واسطه گستردگی و قدمت این نوع آثار در فرهنگ‌های متنوع بشری نمی‌توان خاستگاه مشخصی را به‌عنوان منشأ آن معرفی کرد، اما نکته ارزشمند درخصوص این آثار آن است که میان انواع گوناگون این گونه ادبی توصیفات مشترکی از جمله سرنوشت محتوم بشر و سرانجام جهان و هستی در این نهایت وجود دارد که گاه با مصایب و فجایع فراگیر و گاه نیز با تجدید حیات هستی، رستاخیز و داوری مردگان و نیز تجلی و ظهور منجیان همراه است. در میان نمونه‌های چشمگیر این گونه روایات دینی، مکاشفات ایرانی به واسطه قدمت و بداعت تصویری آن بسیار جالب توجه است.

در میان مکاشفات زرتشتی البته کهن‌ترین نمونه آن به گاهان بازمی‌گردد. روایات مکاشفه‌ای گاهانی همچون دیگر روایات مکاشفه‌ای از سرانجام هستی، دربردارنده ویژگی زمان‌مندی و تاریخ‌مندی ادوار بشری در سیری خطی است که سرانجام به آزمون، داوری نهایی بشر و فرسنگرد هستی منجر می‌شود. نکته شایان توجه در روایات مکاشفه‌ای گاهان دورنمای روشن و سرانجام امیدبخش هستی راستی است که در آن راستی در نبرد خود بر تاریکی پیروز خواهد شد. این تعالیم تعالی‌گرا و تکامل‌باور از تاریخ بشری پس از زرتشت در متون اوستای متأخر تحول یافته است. در متون مکاشفه‌ای پهلوی که مشخص‌ترین آثار متأخر این‌گونه در دین زرتشت هستند، تصویری تاریک و پر فاجعه از سرانجام بشر با آموزه سیر بشر در تباهی اعصار به‌صورت بن‌مایه‌ای از تشبیه اعصار بشری به فلزات به روایت درآمده است. بر این مبنای

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۸۳

مسئله این تحقیق نیز واکاوی و بررسی در سیر این تحول و دگرگونی در روایات مکاشفه‌ای دین زرتشت و خصوصاً خاستگاه بن‌مایه تقسیم اعصار بشری براساس فلزات است.

#### پیشینه پژوهش

از جمله کهن‌ترین پژوهش‌ها در بررسی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اندیشه‌های آخرت‌شناسانه مغان ایرانی و فلاسفه یونانی می‌توان به مقاله کومون به نام سرانجام جهان بر طبق اندیشه‌های مغان غربی اشاره کرد (1931). کومون در این مقاله به واکاوی اندیشه‌های مغان غربی و تأثیرگذاری فیلسوفان رواقی بر شکل‌گیری مفاهیم آخرت‌شناسانه مغان غربی و همچنین به بررسی مشابهت متون آخرت‌شناسانه زرتشتی متأخر چون زندوهمن‌یسن و روایت لاکتانیوس از متون مغان غربی چون پیشگویی‌های ویشناسپ پرداخته است. بعدها کومون با نگارش اثر مغان هلنی (2007) سعی در تکمیل این نظریه و تعاملات فرهنگی میان دنیای هلنی و زرتشتی داشت.

از جمله آثار دیگری که به تأثیرات اندیشه‌های فلاسفه یونان باستان بر متون آخرت‌شناسانه زرتشتی توجه کرده است، می‌توان به اثر مری بویس به نام تاریخ کیش زرتشت اشاره کرد، مری بویس در این اثر بر این باور است که تأثیرات هلنیستی خصوصاً در حوزه مکاشفات آخرزمانی بر اندیشه‌های مغان غربی پس از حضور یونانیان در ایران رخ داده است، بعدها در راستای توسعه اندیشه‌های پیشین، بویس مقالات دیگری همچون متون سیبولایی و مکاشفات آخرزمانی زرتشتی و نیز نگاهی به اندیشه کهن مکاشفات زرتشتی را به رشته نگارش درآورد (۱۹۸۹).

پس از بویس مباحثات جدی در خصوص خاستگاه و تکوین مکاشفات آخرزمانی دین زرتشت ادامه یافت و آثار ارزشمند دیگری نیز تدوین شد، از دیگر آثار برجسته در این موضوع، مقاله کارستن کولپه در مجموعه تاریخ ایران کمبریج است (Colpe, 1983: 831-33). کولپه بر این باور است که بخشی از روایت‌های آخرت‌شناسانه دین زرتشتی تحت‌تأثیر اندیشه‌های هلنیستی تدوین شده است. کازمین نیز درباره همین موضوع در کتاب خود در تشریح شکل‌گیری ایدئولوژی و بینش سیاسی سلوکیان، متون آخرت‌شناسانه زرتشتی را بررسی کرده است، او در این کتاب چنین بیان می‌دارد که این متون آخرت‌شناسانه برای شکل‌دهی به اندیشه ایدئولوژی سیاسی سلوکیان در شرق در این زمان شکل گرفته‌اند، با این وجود، مستندات درباره متون آخرت‌شناسانه در دین زرتشتی و تحولات آن حداقل مربوط به دوران هخامنشیان است و نیز تدوین برخی متون پهلوی بسیار متأخرتر از دوره سلوکی است و

فضای آن عموماً ضد هلنیستی است؛ از این رو، اعتبار این نظریه با ابهام روبه‌رو است (Kosmin, 2018).

نیز از دیگر آثار متأخر در این زمینه می‌توان به مقاله ویسته دیورورکا به نام یادآوری‌های هسیودی در مکاشفات زرتشتی اشاره کرد که در آن نویسنده بر این باور اندیشه تقسیم اعصار اندیشه‌ای با بن‌مایه‌های هندواروپایی است که در دو زمان و دو مکان متفاوت از منابعی متفاوت در میان اقوام هندواروپایی به نگارش شده است (Dobroruka, 2012). نگارنده این مقاله البته در اشاره به روایت‌های همسان متون آخرت‌شناسانه، به امکان انتقال این اندیشه‌ها و نیز تفاوت‌های بنیادی میان جهان‌بینی ایرانی و یونانی در تصور از سرانجام جهان بی‌توجه بوده است و برای اثبات ادواربندی تاریخ در اندیشه‌های هندواروپایی صرفاً به متون پورانۀ هندی پرداخته است.

از جمله مقالات دیگر در خصوص تأثیرپذیری مکاشفات شرقی از آموزه هسیود همچنین می‌توان به مقاله لودویک کوئون دربارۀ متن هسیود و ادیان شرقی اشاره کرد که همسو با نظر مری بویس بر این باور است که قدمت اندیشه‌های تقسیم اعصار در کیش زرتشتی با توجه به مستندات موجود مربوط به بعد از قرن ۵ ق.م می‌رسد (خصوصاً در متون تفاسیر اوستایی تدوین‌شده) و بر تأثیرگذاری اندیشه هسیودی بر مکاشفات زرتشتی و یهودی تأکید می‌ورزد (Koenon, 1994: 1-34). در خصوص تداوم اندیشه‌های هسیودی و شکل‌گیری آموزه‌های تقسیم اعصار در ادبیات هلنی و رومی همچنین می‌توان به اثر فان نوردین (2014) و نیز مقاله کالینز (۲۰۰۷) در مجموعه ادیان جهان باستان اشاره کرد.

براساس این پژوهش‌ها، آموزه اعصار چهارگانه هسیودی و نسل‌های ده‌گانه به آن‌گونه که در متن زندوهمن‌یسن نیز ذکر شده است، می‌تواند حاصل همایی آموزه‌های هسیودی و نیز اندیشه سکولاهای رومی - اتروسکی باشد که بر تدوین متون سیبولایی تأثیر گذاشته است.

#### گاهان، مکاشفات آخرزمانی و خاستگاه مفهوم سرانجام

بخشی از درک پیشازرتشتی از مفهوم زمان، باور و تلقی دوری و تکرار از زمان بود که ریشه در فهم ظاهری حرکت زمان در طبیعت و تحول ادواری فصول و نیز شب و روز به‌عنوان مفهوم عینی زمان داشت (الباده، ۱۳۷۲: ۳۷۰؛ Ridderbos, 2002: 29). این تلقی دوری از زمان به‌وسیله زرتشت با اندیشه خطی جایگزین شد. در حقیقت، مفهوم زمان با این تحول فلسفه‌مند و غایت‌مند شد. این غایت بخشی به مفهوم زمان، جز با تفسیر آخرت‌شناسانه از سرانجام تاریخ ممکن نبود (Widengren, 1983: 77; Boyce, 1975: 233؛ بسنجیدبا: سنگاری، ۱۳۹۸).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۸۵

۶۴-۶۲). در گاهان کهن‌ترین متن باقی‌مانده از زرتشت، ماهیت تاریخ به‌عنوان ابزاری برای پیروزی نهایی راستی بر دروغ معرفی شده است و از این رو، بخش‌های متعددی از این متن در سرشت و ساختاری مکاشفه‌ای به تبیین چگونگی این پیروزی اختصاص یافته است.

زرتشت در این متون چنین بیان می‌دارد که سیر قطعی و محتوم تاریخ در روندی مشخص و معلوم به پیروزی نهایی خیر منجر خواهد شد. اهورامزدا این امر را به‌وسیله‌اشه یا نظم راستین به انجام می‌رساند و پس از آن آفریدگان، مشابه با آزمون‌های ایرانی کهن، با عبور از فلز مذاب یا آزمون آتش سنجش می‌شوند (Lommel, 1930: 217; Boyce, 1975: 243; صرفی، ۱۳۹۰: ۳۲؛ نک. وزیدگی‌های زادسپرم، ۸۵-۸۱).

ساختار مشخص متون مکاشفه‌ای زرتشت در تفسیر نهایی پیروزی خیر بر شر فارغ از ماهیت محتوم و جبرآمیز آن سرانجامی روشن و متعالی دارد. به باور زرتشت اراده‌ی نهایی راستی و پادشاهی نظم اشه بر آن است که بشر پس از داوری نهایی خود به پادشاه راست‌کرداری برسد (یسنا ۳۰ بند ۸ تا ۱۱. Humbach, 1991/ 1:125; Humbach, 31-33; West, 2010: 53-54). هستی شر که با نام دروغ توصیف شده است، به‌وسیله‌ی راستی درهم شکسته می‌شود و سرانجام این راستی است که به‌وسیله‌ی وهومنه در حالی که دروغ را دربند کرده است به فرمانروایی خواهد رسید (یسنا ۳۰-۸- و یسنا ۴۸-۱- نک. Humbach, 1991/ 1:125-176; West, 2010:54-135; Humbach, 1994, 85). این سرانجام نیک ناشی از چیرگی خیر بر هستی، نمایانگر تعالی بشر و پیشرفت اخلاقی بشر و انتخاب آن خیر از روی اختیار و گزیداری است.

بنابراین، عصر طلایی بشر در سرانجام جهان و هنگامی است که نهایت راستی تجلی یابد و پس از آزمون نهایی در رود فلز مذاب، هستی راستی و دروغ از هم جدا شوند (Boyce, 1975:242; آزمون آتش در گاهان، یسنا ۹-۵۱؛ West, Humbach, 1991/ 1:188; West, 2010:157; Humbach, 1994:99). این الگوی متعالی از سرانجام تاریخ در متون مکاشفه‌ای متأخر دین زرتشتی دگرگون شده است. در این متون که به نظر می‌رسد، تحت‌تأثیر تحولات سیاسی در اواخر دوران هخامنشیان به نگارش درآمده باشند، سیر تاریخی بشر مسیری رو به تباهی دارد (ادی، ۱۳۴۷: ۳۹؛ بسنجیدا: Boyce, 1989:60-63).

به نظر می‌رسد در این دوران بخش مهمی از اندیشه‌های دین زرتشتی درباره‌ی روایات آخر زمانی شکل گرفته باشد و این اندیشه‌ها بعدها به متون دین زرتشتی نفوذ یافته و طی دوره‌های اشکانی و ساسانی در متون اوستایی همچون سودگر نسک و نیز متون زند آن بازنویسی شده‌اند (Boyce & Grenet, 1991:383- 384) تا آنکه در اواخر دوره‌ی ساسانی شاهد

تألیف تدوین اولین متون منسجم مکاشفه‌ای زرتشتی به زبان پهلوی هستیم (Ibid). از جمله این متون، کتاب زندوهمن‌یسن است که همان‌گونه که گفته شد، خود بازروایتی از متن سودگر نسک از متون مفقود اوستایی است که در آن بن‌مایه تقسیم ادوار براساس فلزات در دوره‌های چهارگانه و نیز آموزه نسل‌های ده‌گانه به نگارش درآمده است (برای متن سودگر نسک، Madan, 1911:792؛ تفضلی، ۱۳۹۷: ۴۲؛ نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۵؛ برای متن زندوهمن‌یسن، راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱؛ تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۰؛ Shapira, 1998: 9).

تأمل در سرشت و ویژگی‌های الگوی اعصار چهارگانه و نیز بن‌مایه تقسیم اعصار بر طبق فلزات جای هیچ تردیدی را از این امر که خاستگاه آن باید متون هسیودی باشد، باقی نمی‌گذارد (Christensen, 1917 /1: 58-63; Boyce, 1989: 73-74; Boyce & Grenet, 1991: 385؛ تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در این آموزه هسیودی اصطلاح عصر طلایی به اعصار اولیه تاریخ بشری اطلاق می‌شود و بشر در روند تاریخی خود در سیری رو‌تنزل و تباهی است. این اندیشه که سهم مهمی در تدوین انواع متون مکاشفه‌ای در دنیای هلنی و رومی داشته است (Van Noorden, 2014: 24-25; Smith, Kirby Flower, 1908: 196-197).

به نظر می‌رسد، پس از تطور تاریخی خود در دنیای یونانی، بعد از سقوط هخامنشیان و تسلط دنیای هلنی بر شرق به متون دین زرتشتی نفوذ کرد و مفهوم سرانجام تاریخ را بنا به شرایطی که چنین گونه مکاشفه‌ای برای توجیه رویدادهای پیش‌آمده مقتضی می‌کرد، گرفتار تحول و تغییر کرد. در این میان این نکته ارزشمند است که سیر تحول بن‌مایه هسیودی در متون یونانی و لاتینی نتیجه تحول ادوار اندیشه مکاشفه‌گرا و تأثیرات فلسفی آن بود (Boyce & Grenet, 1991: 385).

#### میراث رواقی آموزه تقسیم اعصار هسیودی

پیش از هسیود، اندیشه سیر تباهی بشر پیشینه کهن در منابع لاتینی و یونانی داشت (Smith, Kirby: 46-47; Horace, 2004, 165/Odes III, 6&46-47; Homer, 1978: 23; بسنجید با: Smith, Kirby: 192 (Flower, 1908: 192) از این رو ریشه‌یابی خاستگاه این آموزه در ادبیات یونانی و رومی امری ناممکن است، با این وجود، کهن‌ترین متنی که این آموزه در آن به شکل بن‌مایه ادوار تاریخی با توصیف فلزات در آن به رشته نگارش درآمده است، متن کتاب روزها و کارها اثر هسیود است و از این رو، به واسطه قدمت این متن مکتوب که تا قرن هشتم ق.م، می‌رسد، از آن به‌عنوان آموزه اعصار هسیودی نام برده می‌شود (Smith, 2005/1: 176-177). در مقابل، آنچه عموماً بر سر آن اتفاق است، این نکته است که توسعه این آموزه در ادوار و

منابع گوناگون بعدی تحت‌تأثیر اندیشه‌های فلسفه رواقی‌گری رُخ داده است (Ibid:176). در حقیقت، در تداوم این آموزه می‌توانم سه دوره را بازیابی کنیم. دوره نخست، دوره توسعه و بازخوانی آموزه هسیودی در منابع هلنی، دوره دوم، دوره تأثیرات رواقی و فلاسفه هلنی و دوره سوم را می‌توان دوره تأثیرات اندیشه‌های رواقی رومی و ترکیب این آموزه با اندیشه‌های مکاشفه‌ای دانست، که طی این سه دوره که تقریباً تا قرن اول قبل میلاد امتداد می‌یابد، آموزه اعصار هسیودی تطور و تکامل یافته است و در شکل دهی به بخش گسترده‌ای از روایات مکاشفات آخِرزمانی، سهم مهمی ایفا کرده است.

در همین دوران است که بخش‌های تأثیرگذاری از ادبیات مکاشفه‌ای از جمله متون مکاشفات سبولایی براساس آموزه تقسیم اعصار هسیودی تکوین و تطور یافته است (Boyce, 1986: 73-74). این متن اخیر، همان‌گونه که گفته شد، براساس شواهد موجود منبعی برای تدوین متون مکاشفه‌ای بعدی کیش زرتشتی و تحول در آموزه‌های آخرت‌شناسانه دین زرتشتی متأخر بوده است (بسنجید با: Benveniste, 1932: 14).

اگر خاستگاه تدوین متون آخرت‌شناسانه را ناپایداری اوضاع سیاسی و اجتماعی و چشم‌انداز مبهم جوامع بشری از آینده بدانیم، بی‌تردید امید به دستیابی به وضعی مطلوب نیز در گسترش این‌گونه از متون سهمی مهم داشته است (Christenson, 1917: 57&58)؛ از این رو، اندیشه اعصار بشری را می‌توان تأملی در ساحت اندیشه سیاسی و اجتماعی دانست، چنانچه برخی پژوهشگران بر این باورند که آموزه هسیود از عصر طلایی را باید تأملی در اندیشه سیاسی دانست که در آن رابطه مطلوب حکمرانی و فرد اساس وضعیت عصر طلایی است؛ از این رو است که حکمرانی عصر طلایی بشر در روایت هسیودی به کروئوس خدای کهن پیش از ژئوس اختصاص دارد و ویژگی این حکمرانی ارتباط بی‌واسطه این نسل با خدا و جلوه خدایی مردم در این دوره است.

آموزه‌ای که در مکاتب فلسفی بعدی، از جمله در اندیشه رواقیون به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم عصر طلایی به آن توجه بسیار شده است، بر این مبنا ویژگی عصر طلایی در مکاتب و اندیشه‌های بعدی دوره‌ای از حاکمیت و حضور خدا یا فرستاده بی‌واسطه او است که حافظ جامعه خدایی باشد.<sup>۱</sup> از جمله یکی از مشهورترین خوانش‌های این اندیشه در فلسفه

---

۱. بنا به باور ساموئل ک. ادی از جمله زمینه‌های پذیرش تأملات مکاشفه‌ای هلنی در دنیای زرتشتی را از دست‌دادن شاهنشاهی پارس و دل‌آزردگی که از فقدان این مقامات و مناصب بزرگ داشتند (ادی، ۱۳۴۷: ۳۱)، به همان‌گونه که بویس نیز خاطرنشان می‌کند، یهودیان همین آموزه‌ها را در شرایطی مشابه شرایط سیاسی ایرانیان پذیرفتند (Boyce, 1986: 67).

سیاسی یونان، تفسیر افلاطونی از مفهوم حاکمیت مطلوب است که براساس آن افلاطون بر این باور است که حاکمیت عصر طلایی در اختیار فیلسوفان قرار دارد که امکان بهره‌مندی بشر از نعمات زمینی و نظم مطلوب سیاسی را به‌واسطه ارتباطشان با آسمان را فراهم می‌کنند (Plato & The Republic, V-473, VI-449).

در روایت هسیودی خدایان المپی به رهبری کرنوس (ἐπί κρονου) نسل طلایی انسان‌ها را می‌آفرینند، این نسل در جایی همچون بهشت و چون خدایان بی‌هیچ رنجشی زندگی می‌کردند، بر روی زمینی منعم و سرشار از باروری، با جوانی ماندگار و چون مرگ این نسل را در ربود، همچون خوابی سنگین بود (Hesiod & Days and Works: 116) و چون حیاتشان به اراده زئوس به سرآمد و به نقب خاک در آمدند (همان: ۲۱) به ارواحی نگهبان تبدیل شدند که نظاره‌گر خوبی و بدی مردمان باشند، با پوششی همچون مه (همان: ۱۲۴).

نسل دوم که پس از نسل اول توسط خدایان المپ آفریده می‌شوند، نسل نقره‌ای هستند که قرن‌ها به شکل کودک باقی می‌مانند (همان: ۱۳۰) و چون به بلوغ رسیدند، به دلیل گناه خشونت و قتل یکدیگر و سرپیچی از عبادت نامیرایان اندکی بعد نابود شدند، البته به‌واسطه احترامی که از آن بهره‌مند بودند، با عنوان میرایان در مغفور زیرزمین محصور و محدود شدند، سومین نسل از مردان برنزین که قدرتمند و قوی بودند و از برنز درست شده بودند نیز به دلیل خشونتشان به مرگی سیاه نابود شدند و با ساخته‌هایشان از برنز به سرزمین هادس فروافتادند و زئوس نمونه دیگری از مردان را آفرید که نسل قهرمانان و نیمه‌خدایان بودند و براساس مردان عصر طلایی ساخته شده بودند. اینان نسلی از جنگاوران بزرگ عصر تروا و تبس بودند که نابود و تباه شدند و تباهی آنان را در جنگ رخ داد و به‌وسیله زئوس به‌جای دور تبعید شدند و سرانجام در جزیره‌ای سعادتمند و حاصلخیز ساکن شدند.

نسل آخرین اما نسلی است که هسیود خود در آن زندگی می‌کند، نسل آهن، نسلی که آمیخته با درد و رنج است. از این بخش از متن به بعد (همان: ۱۷۹) تا بند پایانی (همان: ۲۰۱) هسیود گزارشی از رخدادها، به‌گونه مکاشفات آخرزمانی از سرنوشت بشر در سرانجام تاریخ ارائه می‌دهد. به نظر او بشر نسل پنجم یا نسل آهن به‌وسیله زئوس هنگامی از میان برداشته خواهند شد که اخلاقیات بشری و وضعیت زندگی اجتماعی رو به تباهی برود و روابط خانوادگی میان فرزندان، برادران، پدران و جامعه اضمحلال یابد و جامعه در آشوب و تباهی فرو رود و در آن زمان یاریگری در مقابل نیروی شر نخواهد بود (همان: ۱۷۹-۲۰۱).

۱. وست این‌گونه احترام برای مردگان در یونان باستان را به‌عنوان رسمی برای مقابر پیشینیان و نوعی آیین برای پیشینیان می‌داند (West, 1978: 186).



اگر نگاهی عمیق‌تر به سرنوشت نسل‌های اول تا پنجم داشته باشیم، می‌توانیم این نکته را دریابیم که بنا به نظر هسیود علت تباهی نسل‌های بشر در هر دوره خشونت، غرور یا تباهی اخلاقی اوست که منجر به بحران‌های اجتماعی شده است. برآمدن آموزه‌های این مکاشفات آخرزمانی در اندیشه هسیود را خود نیز می‌توان زائیده بخشی از بحران‌های جوامع آشوب‌زده پس از دوران تاریک در یونان باستان دانست که هسیود از قرارگرفتن در آن اظهار بیزار می‌کند (همان: ۱۷۴-۱۷۵؛ برای آشوب‌های عصر پهلوانی بنگرید به، Chadwick, 1967: 344). بازگویی تمایل و آرزوی بشر برای رهایی از این آشوب‌ها در متن‌های مکاشفه‌های آخرزمانی بخشی از کارکرد ذهنی این متن‌ها است. در قرن هشتم ق.م نیز جوامع یونانی عصر تاریک و پراشوب خود را می‌گذرانند، عصری که شباهت بسیاری با دوره پس از اسکندر برای دنیایی ایرانی داشت و چنان که خواهیم دید، بن‌مایه مکاشفات سیبولایی در این زمان به حیطة اندیشه زرتشتی وارد شده است.<sup>۱</sup>

از جمله کهن‌ترین آثار باقی‌مانده از فلاسفه رواقی که می‌توان آموزه‌های هسیودی را در آن بازیافت، کتاب حکیم رواقی آراتوس است. آراتوس در اثر خویش به نام پدیده‌ها یا Phenomena در بندهای ۹۷ تا ۱۴۰ که درباره رصد ستارگان است داستان اسطوره‌ای به نام دیکی که ستاره ویرگو<sup>۲</sup> یا دختر آسترا<sup>۳</sup> را روایت می‌کند. وی در این روایت اساطیری، آموزه اعصار هسیودی را بازتکرار می‌کند. بنا به شواهد روایی این متن تردیدی نیست که این اثر دریافت و بازوایتی رواقی از آموزه هسیود است که در آن فهم از جهان طبیعی براساس اندیشه فلسفی رواقی توسعه یافته است (Van Noorden, 2014: 171; Toomer, 2012/1:132).

ادوار جهان در این روایت رواقی آراتوس، دربردارنده تفاسیری از تباهی نسل‌های انسانی است. در حقیقت، آراتوس درصدد است تا از روایت هسیودی استنباطی رواقی کند و نشان دهد بشر با تباهی ادوار اخلاقی از الهه عدالت که در این روایت به شکل دوشیزه‌ای به تصویر درآمده است، دورتر شده است (Kidd, 1997: 9). در عصر طلایی مردمان از دریانوردی احتراز داشتند و با کشاورزی و دامپروری روزگار می‌گذرانند و در آن عصر خبری از ظلم و ستم در میان نبود؛ از این رو دوشیزه عدالت در میانشان زندگی می‌کرد، انگار که خدا یا تصویری از او در میان مردمان زندگی می‌کند، اما در عصر بعدی که مردمان رو به تباهی اخلاقی رفتند، این دوشیزه از مردم دورتر شد، با مرگ مردمان عصر نقره، مردم عصر برنز ظاهر شدند، تباهی

۱. برای این تحلیل از ورود متن‌های مکاشفات آخرزمانی پس از هخامنشیان بنگرید به (ادی) و برای رواج متن‌های مکاشفات آخرزمانی پس از اسلام بنگرید به (چوکسی).

2. Virgo  
3. Astraea

اخلاقی و اجتماعی بر هستی مردم بیشتر چیره می‌شود و مردمان به قتل یکدیگر دست زدند. در این هنگام بود که الهه عدالت از مردمان رخت بریست و به آسمان درآمد (آراتوس، بندهای ۱۴۰-۹۷ به نقل از: Kidd, 1997: 83)

دومین اشاره به آموزه اعصار هسیودی را می‌توان در اثر اووید به نام دگرگونی‌ها بازیافت. اووید که تحت تعالیم حکیم رواقی سنکا در روم آموزش فلسفه دیده بود، به شدت مجذوب اندیشه‌های فلاسفه یونانی و رواقیون بود. البته اووید در ابتدا تمایلات اپیکوری داشت و تحت تأثیر استادش بعدها به سوی اندیشه‌های رواقی متمایل شد و در اثر خود متامورفیسس یا دگرگونی‌ها از مضامین رواقی بهره برده است (Barolsky, 1998: 4-5). اندیشه‌های رواقی که در آن بن‌مایه‌های اجتماعی، سیاسی و مضامین اخلاقی و هشدارگونه درباره تباهی اخلاقی روم را داشت (Hinds, 2012/ 2: 1055- 1056; Van Noorden, 2014: 205). هر چند نمی‌توان تأثیرات تقابل با اندیشه اپیکوری لوکرتیوس و کتاب او درباره طبیعت اشیا را در اثر اووید نیز نادیده گرفت، شاید مهم‌ترین تأثیرگذاری بر ماهیت کار اووید از سوی ویرژیل باشد که سرشت اندیشه رواقی آثار او به‌وضوح مشخص و معلوم است (Bowra, 1933: 10; Edwards, 1960: 151; Van Norden, 2014: ibid).

اووید در کتاب اول متامورفیسس که مجموعه‌ای از روایت‌ها و آثار ادبی یونانی با بن‌مایه‌های فلسفی است، اندیشه اعصار بشری را در چهار دوره بازگویی می‌کند. در این گفتار از نظر او، مهم‌ترین ویژگی هزاره اول اندیشه و اخلاق نیک بشر بود که موجب شده بود که مردمان در سعادت زندگی کنند و در این زمان هیچ امری در کتاب قوانین ممنوع نبود و هیچ ترس و هراسی میان مردمان وجود نداشت. در هیچ‌جا صورت برافراشته هیچ ارباب و قاضی نصب نشده بود و هیچ کاجی برای سفر دریایی قطع نمی‌شد و هیچ شهر را برج و بارویی نبود و هیچ نوای جنگی و چکاچاک شمشیری نبود و نیز هیچ جنگاورانی در کوچه به صف راه نمی‌رفتند و سخنی از جنگ نبود و سال‌ها با صلح می‌گذشت و زمین حاصلخیز بود تا آنکه پس از نابودی عصر ساتورن با مرگ سیاه، ژو (پیترا) با افسون نقره‌ای کم‌ارزش‌تر از طلا و با ارزش‌تر از برنز ظهور پیدا کرد و بشر پستر از دوره می‌زیست. در عصر بعدی یا دوره برنز بشر درگیر جنگ شد و با شمشیر و سپر به هم درآمیختند و در عصر آهن، خون‌های شرارت‌بار فراوانی به‌واسطه خشونت، سود و تجارت و جنگ بر زمین گسترده شد و سرانجام ژوپیتر جهان با طوفان را در هم خواهد پیچید (Ovid, the metamorphoses/1: 89-162).

با نگاهی به تفسیر آراتوس و اووید از آموزه اعصار هسیودی و به‌ویژه با مقایسه اندیشه عصر طلایی در این آثار و نیز آموزه جامعه آرمانی سیاسی در متون رواقی از زنون تا

خروسیپوس که در مجموعه آثاری با نام جمهوری به نگارش درآمده است به برداشت یکسانی از الگوی جامعه آرمانی یا وضع طبیعی می‌رسیم که نشان‌دهنده تأثیر تفسیرهای رواقیون از آموزه هسیود است.

رواقیون بر این باور بودند که جامعه سیاسی آرمانی، جامعه‌ای است که در آن نیکان به واسطه اخلاقیات خود با حکومت سیاسی آشنا و مرتبط هستند و پلیدان با آن بیگانه‌اند. این جامعه به واسطه فضیلت عشق به هم مرتبط است، حکومت در چنین جامعه آرمانی شکلی جهانی دارد و خدا یا همان طبیعت در آن جامعه حاکم است. این جامعه، همان‌گونه که گفته شد، بازتفسیری از عصر طلایی حکومت کرونوس در آموزه هسیود است که براساس قواعد مشترکی از اخلاق اداره می‌شد که مبنای آن فضیلت‌های اخلاق طبیعی و فطری بشری است. این اخلاق طبیعی، بی‌تردید نمایانگر وضعیت طبیعی عصر کشاورزی بود که در آن فضیلت‌های عدالت و خیر در همگان وجود داشت (Devine, 1970: 324) (نمونه عصر طبیعی در جامعه آرمان شهر جمشیدی در اساطیر ایرانی قابل رؤیت است همچون یشت ۱۹ بند ۳۳؛ در اندیشه زرتشت اما عصر جمشید عصر طلایی بشر نیست. بنگرید به Humbach, 2002: 68-77)

رواقیون همچنین بر این باور بودند که در این جامعه آرمانی به نهادهای مدنی قدرت، مالکیت و اقتصاد نیازی نیست و هیچ ساختار اجتماعی، بر این جامعه آرمانی خداوند یا نیروی طبیعی حاکم نیست و رخدادها براساس مشیتی خدایی و جبری رخ می‌دهد و بنابراین حوادث براساس دلیلی ویژه و از پیش تعیین شده، اتفاق می‌افتد؛ از این رو اعضای این جامعه پذیرای این مشیت خدایی‌اند و نسبت به آن اعتراضی ندارد. از نظر رواقیون قوانین طبیعی تنهاترین و بهترین قوانین برای جمهوری رواقی است؛ چراکه قوانین طبیعی، قوانینی جهانی‌اند و مطلوب‌ترین قانون برای زندگی بشری‌اند (Devine, 1970: 325-326).

بر این مبنای رواقیون الگوی هسیودی از عصر طلایی را پذیرفتند و آن را به‌عنوان جامعه آرمانی خود بازخوانی کردند. به باور رواقیون، اضمحلال بشری دورشدن از وضعیت طبیعی و آرمانی اولیه بود. از نظر آراتوس نیز از ویژگی‌های این جامعه ابتدایی آن بود که در آن دوستی و عدالت سلطه داشت و با کمرنگ شدن این الگوی طبیعی، بشر از وضعیت اولیه خود دور شد و آسایش که در روایت آراتوس به ایزدبانوی عدالت تفسیر شده است، نیز از بشر دور شد، اووید نیز به تاسی از اندیشه‌های رواقی از روایت هسیودی اعصار، جامعه اولیه و وضع طبیعی بشر را وضعی آرمانی تفسیر می‌کند. از نظر او، جامعه جهانی که براساس فضایل خیر و عدالت جمعی اداره می‌شود، با دورشدن از این فضایل اولیه گرفتار تباهی و اضمحلال می‌شود

(Smith, Kirby Flower, 1908:196-197).

بر اساس این آموزه‌ها رواقیون بر این باور بودند که تباهی و اضمحلال هستی ماهیتی محتوم دارد؛ از این رو، در تبیین این سرانجام محتوم از آموزه روح یا اثیر هستی بهره بردند. به باور رواقیون سرشت اصلی هستی روح یا پنوما است. در اندیشه‌های رواقیون این هستی مطلق غیر مادی در هستی مادی در هم تنیده شده است (Long, 2001: 6).

رواقیون، در حقیقت، برخلاف هسیود که تباهی اعصار و ادوار هستی را ناشی از اراده خدایی مشخص می‌دانستند، بر این باور بودند که تباهی و فساد در ماهیت طبیعی هستی امری جبری و محتوم است. آنان همچنین بر این باور بودند که در پایان هستی آتشی فراگیر همه هستی را در خود خواهد بلعید و این حرکت به یاری پنوما که نیروی محرک طبیعت است، صورت می‌پذیرد (Epictetus&Discourses/1: 14-15; Collins, 2007: 64).

بازروایت این نظریه که سرانجام هستی با آتشی دهشتناک نابود خواهد شد، در منابع ادبی متأخر تصویری مکاشفه‌ای به خود گرفته است. در حقیقت، تفسیر رواقی از آموزه هسیودی تباهی بشر، اکنون به تأملی مکاشفانه از سرانجام بشر تبدیل شده بود. مهم‌ترین گونه این دگرگونی را می‌توان در رساله اکلوگ چهارم ویرژیل بازیافت. در این اثر ویرژیل، اندیشه‌های جامعه آرمان‌خواه روم و تفاسیر رواقی از آموزه‌های ادوار هسیودی و نیز باورهای باستانی نسل‌های ده‌گانه اتروسکی-رومی درباره تقسیم تاریخ بشر را درهم آمیخته بود.

باور باستانی نسل‌های ده‌گانه درباره تقسیم تاریخ بشر که ریشه آن به اتروسکیان می‌رسید، به آموزه ساکولا مشهور بود و روایتی دیگری از تقسیم تاریخ همچون آموزه هسیود بود. ویرژیل در این اثر روایتی از نیگیدیوس فیگوس سناتور رومی را که از فلیسوفان مکاشفه‌گرا و رواقی مسلک بوده است، بیان می‌کند که طی آن اعصار بشری را در چهار دوره شرح می‌دهد که در آن هر دوره تحت حاکمیت ایزدی از ایزدان رومی ساتورن، ژوپیتر، نپتون و پلوتو است. در این اثر همان‌گونه که گفته شد، آموزه سال کبیر اتروسکی یا نسل‌های ده‌گانه نیز با آموزه هسیودی در هم در آمیخته شده بود (Jonhston, 1980:15) ترکیبی که تصویرپردازی آن را به خوبی در متن زندوهمن‌یسن به خوبی بازمی‌یابیم (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱؛ تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۰).

ویرژیل، در حقیقت، در این اثر با ترکیب آموزه‌های هسیودی و اتروسکی آخرین گام مؤثر در ایجاد الگویی برای تدوین مکاشفات آخرزمانی را برداشت. از این منظر اندیشه‌های ویرژیل را به صورت مشخص در آثار مکاشفه‌ای سبولایی بعدی باز می‌یابیم (Lester, 2020: 121). نسل دوم این آثار سبولایی نیز به نوبه خود بر تدوین متون یهودی و زرتشتی متأخر نیز تأثیر

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۹۳

عمیقی گذاشتند و چنانچه خواهیم دید، نسل اول آثار سیبولایی پیش‌ازاین در نیز در دورهٔ هخامنشی در آثار مزدیسنان تأثیر عمیقی گذاشته بودند (Boyce, 1986:73-74).

مشابهت‌های میان متن زندوهمن‌یسن، متن چهارم سیبولایی و اکلوگ چهارم ویرژیل در ترکیب ادوار چهارگانه با بن‌مایهٔ فلزات و نسل‌های ده‌گانه در این متون، تردید را از این نظر که خاستگاه و تبارشناسی مشترکی میان این متون وجود دارد، رفع می‌کند. در واقع، مشخص‌ترین ویژگی این متون، ترکیب اعصار چهارگانهٔ هسیودی و نسل‌های ده‌گانهٔ اتروسکی-رومی بود که به‌زعم بسیاری از پژوهشگران باید پس از قرن دوم میلادی در دنیای هلنی و رومی رواج گسترده یافته باشد (بسنجیدبا: Collins, 2007: 66-67).

#### تحول در اندیشه‌های مکاشفات آخرزمانی زرتشتی

تصویر تکوین‌یافته تصویر سرانجام در متون متأخر پهلوی (Boyce & Grenet, 1991: 383-384) مؤید این اندیشه است که در آموزه‌های آخرت‌شناسانهٔ این دین تحولی عمیقی رخ داده است، ریشهٔ این دگرگونی را شاید از یک‌سو بتوان ناشی از تعاملات فکری این دین با سایر ادیان در غرب سرزمین‌های هخامنشیان دانست که موجب تحول اندیشهٔ زرتشتیان در درک ماهیت شر در هستی شد (Cumont, 1949: 225-226; Zaehner, 1955: 19).

این امر به‌ویژه، پس از آشوب‌های قرن چهارم پیش از میلادی و هجوم اسکندر به سرزمین هخامنشیان رخ داد که موجب بروز آشوب در هستی و کیان مزدیسنان شد و دین زرتشتی را با بحرانی فراگیر در خصوص چیرگی شر بر کیان مزدیسنی روبه‌رو کرد که روایات مکاشفات آخرزمانی با یاریگری در پذیرش وضعیت پیش‌آمده، می‌توانست نقش کارآمدی را ایفا کند (Boyce & Grenet, 1991: 373-374). دربارهٔ نقش ادبیات پیشگویانه در انسجام اجتماعی جامعهٔ زرتشتی بنگرید به کرشاسپ چوکسی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۶). البته نکتهٔ ارزشمند آنکه تکوین و بازروایت این مکاشفات آخرزمانی در دین زرتشتی، نیز موجب انتقال بن‌مایه‌های آخرزمانی هلنی به دین زرتشتی شد (Ibid: 383).

آن‌گونه که بازگفته شد، نخستین تلاش‌ها برای استفاده از این بن‌مایهٔ مکاشفات آخرزمانی را باید مربوط به اواخر دوران هخامنشی در غرب آسیای صغیر دانست، جایی که متون اصلی روایت‌های آخرت‌شناسانه مدت‌ها پیش از دوران حضور ایرانیان براساس باورهای و اندیشه‌های هلنی و بن‌مایه‌های هسیودی توسعه یافته بود و در این زمان این بن‌مایه‌های بالیده‌شده به متون پیشگویانهٔ رایج در سرزمین غربی آسیای صغیر وارد شده بود و به‌وسیلهٔ گروهی از پیشگویان مشهور به سیبولای با استفاده از قالب ده‌هجایی یونانی برای نخستین‌بار

احتمالاً به تاسی از مکاشفات دلفی در یونان به کار گرفته شد (Ibid: 383) براساس کهن‌ترین مستندات باقی مانده به نظر می‌رسد، حداقل این‌گونه مکاشفه‌ای که مشهور به مکاشفه سیبولایی بود در زمان هراکلیتوس افسوسی رایج بوده است (ادی، ۱۳۴۷: ۱۱) به باور برخی از پژوهشگران رواج این متون مکاشفه‌ای ریشه در تحولات فکری و دینی، آشوب‌ها و دسیسه‌های سیاسی سرزمین آسیای صغیر در آن روزگار داشت. حاکمان ایرانی که متوجه سودمندی استفاده از این مکاشفات به‌عنوان ابزار سیاسی شده بودند به پشتیبانی و ترویج آن همت گماشتند و موجبات توسعه آن را در میان مزدیسنان ساکن در غرب آسیای صغیر فراهم کردند تا جایی که براساس گفته‌های وارو حکیم لغوی رومی، در میان کهن نمونه‌های مکاشفات آخرزمانی سیبولایی، متن سیبولایی ایرانی از جمله اولین نمونه‌های این‌گونه مکاشفات بوده است. وارو همچنین در تأیید سخن خویش به گفته‌ای از نیکاتور از همراهان اسکندر ارجاع می‌دهد که از سیبولای ایرانی نام برده است، این سیبولای ایرانی احتمالاً باید برای پذیرش متن خویش در میان غیرایرانیان و ایرانیان نقل‌هایی از اقوال زرتشت را بیان کرده باشد که در این زمان در میان یونانیان نیز نامی معتبر و آشنا بود (Boyce, 1986: 62; Boyce & Grenet, 1991: 371)

براساس متون باقی‌مانده از کهن‌ترین نمونه‌های مکاشفات سیبولایی به نظر می‌رسد، این مکاشفات پس از ادوار حضور مقدونیان تکوین و توسعه یافته است و سهم مهمی در تبیین فضای سیاسی دوران حکومت مقدونیان در آسیا را برای یهودیان و زرتشتیان ایفا کرده باشد (Boyce, 1986: 64) بنابه نظر برخی پژوهشگران و مستند به شرحی که نحوی رومی در حدود سال ۴۰۰م بر کتاب چهارم اکلوگ ویرژیل داده است، از جمله متون سیبولایی مشهور به سیبولای کومایی ادوار هستی براساس فلزات تقسیم‌بندی شده بود (Collins, 2015: 120).

مشاهده همسانی‌های بسیار میان زندوهمن‌یسن و متن مفقودی به نام مکاشفات هیستاسپ و متون سیبولایی مؤید این اندیشه است که احتمالاً سنتی از تدوین متون سیبولایی در دین زرتشت شکل گرفته بود که از متن‌های مکاشفات سیبولایی نیز بهره می‌برده است (Collins, 1998: 33) ویندش نیز بر این باور است که متن هیستاسپ متنی هلنی است که با باورهای مزدیسنی تدوین شده بود، بسنجیدبا: (Windisch, 1929: 97). بازروایت چندگانه و متفاوت بخش‌های زندوهمن‌یسن نیز مؤید دیگری بر این نظر است که احتمالاً با مجموعه‌ای از متون متفاوت از ادوار مختلف روبه‌رو هستیم که زیر این عنوان جمع‌بندی شده است و اصولاً بنابه ساختار و ویژگی متفاوت متون و حتی محتوای آن نمی‌توان این متن را به‌عنوان سنتی میراث‌یافته از منابع زرتشتی در نظر گرفت (Certi, 1995: 1 & 9).

متون مکاشفه‌ای سیبولاها را که زنانی پیشگو بودند، باید نمونه آسیایی زنان پیشگوی معابد دلفی یونان دانست که با الهام‌های شاعرانه و مکاشفه‌ای، وقایع و حوادث آینده را پیشگویی می‌کردند، مهم‌ترین بخش این پیشگویی‌ها با آموزه تقسیم اعصار هسیودی آراسته شده بود (Fantuzzi, 2021: 344). در این‌گونه روایات مکاشفه‌ای، تصویری از توالی اعصار و ادوار بشری در سیری رو به تباهی روایت شده است که این توالی با خوانشی سیاسی از ادوار حکومت‌های جهانی همراه شده است که آخرین دوره آن یا پرآشوب‌ترین دوره تاریخ بشری در نمونه‌های سیبولاهای ایرانی و یهودی، دوره سلطه مقدونیان معرفی شده است (Boyce & Gerent, 1991: 371; Collins, 1975: 34).

در دورنمای این سیبولای ایرانی، همچنین زمینه برای سرانجامین نبرد میان خیر و شر در سرانجام هستی براساس چارچوب اندیشه دین زرتشت مهیا شده بود. در این نبرد نهایی ایرانیان که نماینده گروه خیر یا برگزیدگان اهورامزدا بودند با گروه اهریمن آشوب که بدترین نوع اهریمن است، وارد نبرد می‌شوند و نماینده این گروه شر بر عهده یونانیان گذاشته شده است (Boyce, 1986: 62).

هر چند تلاش‌های اولیه ایرانیان برای تطبیق آموزه‌های این پیشگویی با حکومت مقدونیان صورت گرفت، کماکان ساختاری که براساس متن اصلی روایت هسیودی شکل گرفت، تبدیل به چارچوبی شد که بعدها نیز حفظ و تداوم یافت، از این‌رو به نظر می‌رسد که آموزه اعصار هسیودی در قالب روایات مکاشفه‌ای از متون سیبولایی تا مکاشفه‌های بعدی به صورت نهانی طی چندین قرن جریان داشته است و بازروایات مختلفی که با روایت‌های دیگر از جمله نسل‌های ده‌گانه اتروسکی ترکیب شده است، از آن باقی مانده است (Lester, 2020: 121-124).

از جمله آنکه کهن‌ترین این بازروایت‌ها را می‌توان در متن روایت مندرج در کتاب دانیال در عهد عتیق مشاهده کرد که در این روایت نیز به شیوه زندوهمن‌یسن که زرتشت در رؤیا تصویری از ادوار چهارگانه به صورت تمثیل درخت را بازگو می‌کند، رؤیایی بر نبوکد نصر پادشاه بابل در خواب پدیدار می‌شود که در کشف و بازگویی آن معبران بازمی‌مانند و در رؤیایی شبانه تفسیر و سرشت این خواب بر دانیال گشوده می‌شود که طی آن اندام هیئت‌ی بزرگ از سر تا پایش با فلزات طلا، نقره، برنز و آهن گل آمیخته به توصیف درآمده است که سرانجام این فلزات در هم شکسته می‌شوند، دانیال در تعبیر خواب بیان می‌کند که پادشاه سرطایی است و سلطنت‌های بعدی از فلزات کم‌ارزش‌تر تا آهن هستند که تعبیری از سلطنتی فروپاشیده است (The Bible, 2010: 1236-1238).

مشابه این مکاشفه آخرزمانی را همچنین در متن مکاشفه هیشتاسب بازمی‌یابیم که به باور

برخی از پژوهشگران این متن باید بازروایتی یهودی از کتاب عهد عتیق باشد که به‌جای روایت رؤیایی پادشاه بابلی از رؤیایی پادشاه ایرانی ویشتاسب استفاده کرده است (ادی، ۱۳۴۷: ۱۸؛ Flusser, 1982: 15).

بویس بر این باور است که الگوی روایت‌شده در متن پهلوی زندوهمن‌یسن مؤیدی بر تأثیرپذیری این متن از مکاشفات یونانی-یهودی دارد؛ از این رو چنین بیان می‌دارد که این متن باید زمانی در متون زرتشتی بازتدوین یافته شده باشد که تسلط اعراب بر سرزمین ایران موجب به وجود آمدن اوضاعی همچون دورهٔ پس از اسکندر ایجاد کرده باشد و جامعهٔ سرکوب‌شده احتیاج مبرمی به تسکین‌دهنده و امیدوارکننده از گونهٔ آموزه‌های آخرزمانی داشته است که از زبان ایزدی چون بهمن که با اندیشهٔ خرد آسمانی و پیشگویی مرتبط است، روایت شده است.

نکته بالارزش آنکه در روایت اول در متون سیبولایی عصر چهارم به مقدونیان اطلاق شده بود؛ اما اکنون به اعراب آشفته‌موی اطلاق شده است (Boyce, 1983: 73)؛ بسنجید با: Certi, 1995: 2؛ برای تحول متن مکاشفانه زندوهمن‌یسن و نقش ادبیات پیشگویانهٔ زرتشتی بعد از اسلام بنگرید به کرشاسپ چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۱).

### نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی خاستگاه روایات آخرت‌شناسانهٔ متن زندوهمن‌یسن و بن‌مایهٔ تقسیم‌بندی اعصار براساس فلزات به این نتیجه دست می‌یابد که روایت تقسیم‌بندی اعصار براساس فلزات که در متن آخرت‌شناسانهٔ دین زرتشتی به نام زندوهمن‌یسن به نگارش درآمده است، دارای بن‌مایه‌های کاملاً متفاوت با اندیشه‌های آخرت‌شناسانهٔ دین زرتشتی در گاهان است که در این آموزه، سیر زندگی بشری در مسیری رو به تباهی قرار دارد. همچنین واکاوی در متون و خاستگاه‌های این آموزه نشان می‌دهد که تبار منبع‌شناسانهٔ کهنی از این آموزه در آثار هلنی، رومی و نیز یهودی وجود دارد که بر آن اساس، خاستگاه این آموزه به آثار هسیود بازمی‌گردد. در اثر روزها و کارهای هسیود، روایتی از ادوار آفرینش هستی ارائه شده است که در آن روایت برای توصیف ادوار و اعصار در سیری رو به تباهی از فلزات بهره گرفته شده است. هرچند، بن‌مایهٔ اصلی روایت هسیود، روایتی از ادوار آفرینش است، در سرانجام متن تصویری آخرت‌شناسانه و مکاشفه‌ای از سرانجام بشر ارائه می‌شود. این آموزه پس از هسیود، در میراث ادبی و فلسفی یونان و روم از آراتوس تا ویرژیل به‌صورت گسترده در متون فلسفی رواقی و گاه مکاشفه‌گرایانه استفاده شده است. در این دوران فلاسفهٔ یونان از افلاطون تا



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۹۷

روایون از آموزهٔ اعصار هسیودی در اندیشهٔ فلسفی خود برای تبیین اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی خود بسیار بهره بردند. این آموزهٔ تکوین‌یافته، همچنین در آثار مکاشفه‌ای و آخرت‌شناسانه نیز جایگاهی مهم و ویژه یافت تا جایی که براساس متون باقی‌مانده از قرن سوم ق.م در بخش غربی سرزمین‌های حکومت هخامنشیان در میان گروه‌های مکاشفه‌گرا و غیب‌گو همچون کاهنان معبد دلفی و سیبولاها رواج بسیار داشته است و به نظر می‌رسد پس از تحولات سیاسی ناشی از هجوم اسکندر در قرن چهارم قبل از میلاد برای توجیه آشوب‌های این دوران از لوای روایت‌های تحول‌یافتهٔ متون مکاشفه‌ای این آموزه توسط یهودیان و نیز زرتشتیان در آثار خود مورد پذیرش قرار گرفته است. پس از این دوران این آموزه در منابع زرتشتی به منابع دینی راه یافت و بخشی از ادبیات آخرت‌شناسانهٔ دین زرتشت شد و در متون متأخر زرتشتی همچون زندوهمن یسن نیز که بعد از دورهٔ تسلط اعراب مسلمان بر زرتشتیان به نگارش درآمده است، برای تبیین اوضاع آشفتهٔ سیاسی و اجتماعی همچون دورهٔ پس از اسکندر بازاستفاده شد.

### منابع

ادی، ساموئل. ک (۱۳۴۷) *آیین شهریاری در شرق*، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یاده، میرچا (۱۳۷۲) *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمهٔ جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.  
تفضلی، احمد (۱۳۸۹) *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸) *دینکرد نهم*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: دایرةالمعارف فارسی.  
سنگاری، اسماعیل؛ کرباسی، علیرضا (۱۳۹۶) «رویکرد به تاریخ از منظر فلسفهٔ تاریخ دیانت زرتشتی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۷ (۲۰)، ۷۷-۵۵.  
صرفی، محمدرضا (۱۳۸۰) «آزمون آتش»، *ادب و زبان فارسی*، ۱۴ و ۱۳، ۵۸-۳۱.  
راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵) *وزیدگی‌های زادسپرم*، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (تصحیح، آوانویسی و یادداشت‌ها) (۱۳۸۵) *زندوهمن یسن*، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.

چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۹۳) *ستیز و سازش، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعهٔ ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمهٔ نادر میرسعیدی، تهران: نشر دایرةالمعارف.

نظری فارسانی، محسن (۱۳۹۷) *دینکرد هشتم*، تهران: نشر فروهر.

Aratus, *Phaenomena*, Trans. Kidd, Douglas. Cambridge University Press (1997)  
Barolsky, Paul. "Poussin's Ovidian Stoicism" in *A Journal of Humanities and the Classics*, Fall- Winter, 1998, Third Series, Vol. 6, No. 2 (Fall - Winter, 1998), pp. 4-10

- Benveniste, Émile. "Une apocalypse pehlevie: le Žāmāsp-Nāmak," RHR 106, 1932, pp. 337-80.
- Bidez, J., Cumont, F., Les Mages Hellénisés. Zoroastre, Ostanès et Hystaspe d'après la tradition grecque, Les Belles Lettres, Paris (2007)
- The New Oxford Annotated Bible, with apocrypha new revised standard version, edi. Michael D. Coogan, Oxford (2010)
- Boyce, M., A History of Zoroastrianism, Vol. 1, Handbuch der Orientalistik, E.J. Brill. Leiden. (1975)
- Boyce, M., & Grenet, A History of Zoroastrianism, Vol. 3, Handbuch der Orientalistik, E.J. Brill. Leiden. (1991)
- Boyce, M., The Poems of the Persian Sibyl and the Zand ī Vahman Yašt," in Études iranopyennes offertes à Gilbert Lazard, Cahiers de Studia Iranica 7, Paris, 1989.
- Bowra, C. M." Aeneas and the Stoic Ideal" in Greece & Rome, Oct., 1933, Vol. 3, No. 7 (Oct., 1933), pp. 8-21.
- Cereti, C. G., The Zand I Wahman Yasn. A Zoroastrian Apocalypse, Roma. (1995)-Chadwick, Hector Munro., The Heroic Age, Cambridge University Press (2010).
- Christensen, Arthur. Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire légendaire des Iraniens. I. Gajōmard, Mašjag et Mašjānag, Hōšang et Taxmōruw (Archives d'études Orientales, 14), Stockholm. (1917)
- Collins, J. J, Apocalypse Prophecy and Pseudepigrapha, Wm. B. Eerdmans Publishing: 2015.
- Collins, J. J, The Apocalyptic Imagination. An Introduction to Jewish Apocalyptic Literature, Eerdmans. 1998.
- Collins, J.J, Cosmology: Time and History, in Ancient Religions, ed. Sarah Iles Johnston, The Belknap Press of Harvard University Press. (2007)
- Collins, J.J, "Jewish apocalyptic against its Hellenistic Near Eastern environment" in BASOR 220, 1975, 34-57.
- Colpe, Carsten. "The Oracles of Hystaspes," in Yarshater (ed.) The Cambridge History of Iran III.2, The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods.(1983)
- Cumont, Franz. "La fin du monde selon les mages occidentaux," RHR 52, 1931, pp. 29-96, see esp. pp. 64-96.
- Cumont, Franz. Lux Perpetua, Librairie orientaliste Paul Geuthner. (1949)
- Devine, F. E. "Stoicism on the Best Regime", in Journal of the History of Ideas, Jul. - Sep., 1970, Vol. 31, No. 3 (Jul. - Sep., 1970), pp. 323-336.
- Edwards, Mark W. The Expression of Stoic Ideas in the "Aeneid" in Phoenix, Autumn, 1960, Vol. 14, No. 3 (Autumn, 1960), pp. 151-165.
- Epictetus, Discourses, Trans. Robin Hard, Oxford World's Classics. (2014)
- Fantuzzi, Marco. Morales, Helen. Whitmarsh, Tim. Reception in the Greco-Roman World, Cambridge Uni. (2021)
- Flusser, David, "Hystaspes and John of Patmos," in Sh. Shaked, ed., Irano-Judaica. Studies Relating to Jewish Contacts with Persian Culture Throughout the Ages, Jerusalem 1982, with a detailed bibliography, p. 15, n. 7.
- Gignoux, Ph. 'Sur l'inexistence d'un Bahman Yasht avestique", Journal of Asian and African Studies 32,10-31 (1986)pp.53-65.
- Hesiod, Works and Days, Glenn W. Most, Testimonia, Harvard University Press. (2006)
- Hinds, Stephen, Ovid in The Oxford Classical Dictionary, ed. Simon Hornblower, Antony Spawforth, Esther Eidinow, Vol 2, Oxford University Press (2012).
- Homer, Iliad. A. T. Murray, W. F. Wyatt, Vol.I, Books 1-12, Loeb Library (1978)
- Horace, Odes and Epodes, Harvard University Press (2004)
- Humbach, H. The Gāthās of Zarathushtra and other old Avestan texts, in collaboration with J. Elfenbein and P.O. Skjærvø, 2 vols. (Indogermanische Bibliothek, Reihe 1), Heidelberg: Carl Winter. (1991).
- Humbach, Helmut,Pallan Ichaporia.The heritage of Zarathushtra. A new translation of his Gāthās,Heidelberg C. Winter (1994)
- Humbach, Helmut. "Yasna/Yima/Jamšēd, King of Paradise of the Iranians", Jerusalem Studies of Arabic and Islam, 26:68-77.
- Johnston, Patricia A. Vergil's Agricultural Golden Age. A Study of the Georgics, Brill. (1980)

- Koenen, L., Greece, the Near East, and Egypt: Cyclic Destruction in Hesiod and the Catalogue of Women, Transactions of the American Philological Association (1974-2014), 1994, Vol. 124 (1994), pp. 1-34
- Kosmin, P. J. Time and Its Adversaries in the Seleucid Empire, London, The Belknap Press of Harvard University Press. (2018)
- Kirby Flower, Smith. Ages of worlds (Greeks and Romans) in Encyclopedia of religion and ethics. ed. Hastings. James, Vol I, New York: C. Scribner's Sons; Edinburgh: T. & T. Clark, 1908.
- Lester, Olivia Stewart. Four Kingdom Motifs before and beyond the Book of Daniel, eds. Perrin Andrew, Loren Stuckenbruck, Brill. (2020)
- Lommel, H. Die Religion Zarathustras nach dem Awesta dargestellt, Tübingen: J.C.B. Mohr. (1930)
- Long, A. A. Stoic Studies, Hellenistic Culture and Society, California Uni. (2001)
- Madan, D. M. The Complete Text of the Pahlavi Dinkart, 2 vols., Bombay (1911).
- Plato, Paul Shorey, The Republic, Books 1-10, Tran. William Heinemann Harvard University Press. (1937-1942)
- Ridderbos, K. Time, Cambridge University Press. (2002)
- Shapira, Dan. Studies in Zoroastrian exegesis: Zand. Thesis submitted for the degree "Doctor of Philosophy", Jerusalem (1998).
- Smith, Jonathan Z. Ages of World, in Encyclopedia of Religion, Second Edition, Vol I. ed. Lindsay Jones, Macmillan Reference and Thomson Gale. (2005).
- Toomer, G.J. "Aratus" in The Oxford Classical Dictionary, ed. Simon Hornblower, Antony Spofforth, Esther Eidinow, Vol 2, Oxford University Press (2012).
- Van Noorden, Helen. Playing Hesiod, Cambridge University Press (2014)
- West, M. L. The hymns of Zoroaster. A new translation of the most ancient sacred texts of Iran, I.B. Tauris (2010).
- West, L. M. Hesiod, Works and Days, Oxford University Press (1978)
- Widengren, Geo, "Leitende Ideen und Quellen der iranischen Apokalyptik," in Apocalypticism in the Mediterranean World and in the Near East, ed. David Hellholm, Tübingen: J. C. B. Mohr [Paul Siebeck] (1983)
- Windisch, H, *Die Orakel des Hystaspes*, Verhandelingen der Koninklijke Akademie van Wetenschappen te Amsterdam, 1929.
- Zaehner, R. C., Zurvan, A Zoroastrian Dilemma, Oxford, Clarendon, 1955.

### List of sources with English handwriting

#### Persian

- Choksi, Jamshid., *Conflict and Cooperation; Zoroastrian Subaltern and Muslim elites in Medieval Iranians Society*, Mirsaidi, Naderi., Qoqnūs, 2002.
- Eddy, S.K., *The King is Dead. Studies in the Near Eastern Resistance to Hellenism, 334-31 B.C.*, Trans. Fereydoun Badreyee, Boungehe Tarjome Va Našr-e Ketāb, 1968
- Eliade, Mircea., *Patterns in Comparative Religion*, Trans. Jalal Stari, Našr-e Markaz. 1992.
- Nazari Farsani, Mohsen, *Dinkard VIII*, Tehran: Forohar, 2019.
- Rāšed Moḥaṣṣel, Moḥammad-Taqi., *Slection of Zādasparam*, Tehran: IHCS, 1987.
- Rāšed Moḥaṣṣel, Moḥammad-Taqi., *Zand ē Vahman Yasn*, Tehran: IHCS, 2007.
- Sarfi, Mohammad Reza., "Fire Examination", *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, winter 2000 and spring 2001 - Serial Number 13 and 14 (pp. 31 to 58).
- Sangari, Esmaeil., Karbasi, Alireza., "An Approach to History from the Viewpoint of Philosophy of History of Zoroastrianism", *Historical Perspective & Historiography*, Volume 27, Issue 20 - Serial Number 105, October 2017, Pages 55-77.
- Tafazzoli, Ahmad., *Pre-Islam Literature History*, contributed Zhaleh Amouzegar, Tehran: Sokhan.2010.
- Tafazzoli, Ahmad., *Dinkard IX*, contributed Zhaleh Amouzegar, Tehran: Persian Encyclopedia. 2019.

#### English Sources

- Aratus, Phaenomena, Trans. Kidd, Douglas. Cambridge University Press (1997)
- Barolsky, Paul. "Poussin's Ovidian Stoicism" in *A Journal of Humanities and the Classics*, Fall- Winter, 1998, Third Series, Vol. 6, No. 2 (Fall - Winter, 1998), pp. 4-10
- Benveniste, Émile. "Une apocalypse pehlevie: le Zāmāsp-Nāmak," *RHR* 106, 1932, pp. 337-80.
- Bidez, J., Cumont, F., *Les Mages Hellénisés. Zoroastre, Ostanès et Hystaspe d'après la tradition grecque*, Les Belles Lettres, Paris (2007)
- The New Oxford Annotated Bible, with apocrypha new revised standard version, edi. Michael D. Coogan, Oxford (2010)
- Boyce, M., *A History of Zoroastrianism*, Vol. 1, *Handbuch der Orientalistik*, E.J. Brill. Leiden. (1975)
- Boyce, M., & Grenet, A *History of Zoroastrianism*, Vol. 3, *Handbuch der Orientalistik*, E.J. Brill. Leiden. (1991)
- Boyce, M., *The Poems of the Persian Sibyl and the Zand ī Vahman Yašt*, in *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard*, Cahiers de Studia Iranica 7, Paris, 1989.
- Bowra, C. M." Aeneas and the Stoic Ideal" in *Greece & Rome*, Oct., 1933, Vol. 3, No. 7 (Oct., 1933), pp. 8-21.
- Cereti, C. G., *The Zand I Wahman Yasn. A Zoroastrian Apocalypse*, Roma. (1995)- Chadwick, Hector Munro., *The Heroic Age*, Cambridge University Press (2010).
- Christensen, Arthur. *Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire légendaire des Iraniens. I. Gajōmard, Mašjag et Mašjānag, Hōšang et Taxmōruw* (*Archives d'études Orientales*, 14), Stockholm. (1917)
- Collins, J. J, *Apocalypse Prophecy and Pseudepigrapha*, Wm. B. Eerdmans Publishing: 2015.
- Collins, J. J, *The Apocalyptic Imagination. An Introduction to Jewish Apocalyptic Literature*, Eerdmans. 1998.
- Collins, J.J, *Cosmology: Time and History*, in *Ancient Religions*, ed. Sarah Iles Johnston, The Belknap Press of Harvard University Press. (2007)
- Collins, J.J, "Jewish apocalyptic against its Hellenistic Near Eastern environment" in *BASOR* 220, 1975, 34-57.
- Colpe, Carsten. "The Oracles of Hystaspes," in Yarshater (ed.) *The Cambridge History of Iran III.2, The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods*.(1983)

- Cumont, Franz. "La fin du monde selon les mages occidentaux," RHR 52, 1931, pp. 29-96, see esp. pp. 64-96.
- Cumont, Franz. *Lux Perpetua*, Librairie orientaliste Paul Geuthner. (1949)
- Devine, F. E. "Stoicism on the Best Regime", in *Journal of the History of Ideas*, Jul. - Sep., 1970, Vol. 31, No. 3 (Jul. - Sep., 1970), pp. 323-336.
- Edwards, Mark W. The Expression of Stoic Ideas in the "Aeneid" in *Phoenix*, Autumn, 1960, Vol. 14, No. 3 (Autumn, 1960), pp. 151-165.
- Epictetus, *Discourses*, Trans. Robin Hard, Oxford World's Classics. (2014)
- Fantuzzi, Marco. Morales, Helen. Whitmarsh, Tim. *Reception in the Greco-Roman World*, Cambridge Uni. (2021)
- Flusser, David, "Hystaspes and John of Patmos," in Sh. Shaked, ed., *Irano-Judaica. Studies Relating to Jewish Contacts with Persian Culture Throughout the Ages*, Jerusalem 1982, with a detailed bibliography, p. 15, n. 7.
- Gignoux, Ph. "Sur l'inexistence d'un Bahman Yasht avestique", *Journal of Asian and African Studies* 32,10-31 (1986)pp.53-65.
- Hesiod, *Works and Days*, Glenn W. Most, *Testimonia*, Harvard University Press. (2006)
- Hinds, Stephen, *Ovid in The Oxford Classical Dictionary*, ed. Simon Hornblower, Antony Spawforth, Esther Eidinow, Vol 2, Oxford University Press (2012).
- Homer, *Iliad*. A. T. Murray, W. F. Wyatt, Vol.I, Books 1-12, Loeb Library (1978)
- Horace, *Odes and Epodes*, Harvard University Press (2004)
- Humbach. H. *The Gāthās of Zarathushtra and other old Avestan texts*, in collaboration with J. Elfenbein and P.O. Skjærvø, 2 vols. (*Indogermanische Bibliothek, Reihe 1*), Heidelberg: Carl Winter. (1991).
- Humbach, Helmut, *Pallan Ichaporā. The heritage of Zarathushtra. A new translation of his Gāthās*, Heidelberg C. Winter (1994)
- Humbach, Helmut. "Yasna/Yima/Jamšēd, King of Paradise of the Iranians", *Jerusalem Studies of Arabic and Islam*, 26:68-77.
- Johnston, Patricia A. *Vergil's Agricultural Golden Age. A Study of the Georgics*, Brill. (1980)
- Koenen, L., *Greece, the Near East, and Egypt: Cyclic Destruction in Hesiod and the Catalogue of Women*, *Transactions of the American Philological Association* (1974-2014), 1994, Vol. 124 (1994), pp. 1-34
- Kosmin, P. J. *Time and Its Adversaries in the Seleucid Empire*, London, The Belknap Press of Harvard University Press. (2018)
- Kirby Flower, Smith. *Ages of worlds (Greeks and Romans)* in *Encyclopedia of religion and ethics*. ed. Hastings. James, Vol I, New York: C. Scribner's Sons; Edinburgh: T. & T. Clark, 1908.
- Lester, Olivia Stewart. *Four Kingdom Motifs before and beyond the Book of Daniel*, eds. Perrin Andrew, Loren Stuckenbruck, Brill. (2020)
- Lommel, H. *Die Religion Zarathustras nach dem Awesta dargestellt*, Tübingen: J.C.B. Mohr. (1930)
- Long, A. A. *Stoic Studies, Hellenistic Culture and Society*, California Uni. (2001)
- Madan, D. M. *The Complete Text of the Pahlavi Dinkart*, 2 vols., Bombay (1911).
- Plato, Paul Shorey, *The Republic*, Books 1-10, Tran. William Heinemann Harvard University Press. (1937-1942)
- Ridderbos, K. *Time*, Cambridge University Press. (2002)
- Shapira, Dan. *Studies in Zoroastrian exegesis: Zand*. Thesis submitted for the degree "Doctor of Philosophy", Jerusalem (1998).
- Smith, Jonathan Z. *Ages of World*, in *Encyclopedia of Religion*, Second Edition, Vol I. ed. Lindsay Jones, Macmillan Reference and Thomson Gale. (2005).
- Toomer, G.J. "Aratus" in *The Oxford Classical Dictionary*, ed. Simon Hornblower, Antony Spawforth, Esther Eidinow, Vol 2, Oxford University Press (2012).
- Van Noorden, Helen. *Playing Hesiod*, Cambridge University Press (2014)
- West, M. L. *The hymns of Zoroaster. A new translation of the most ancient sacred texts of Iran*, I.B. Tauris (2010).
- West, L. M. *Hesiod, Works and Days*, Oxford University Press (1978)

- Widengren, Geo, "Leitende Ideen und Quellen der iranischen Apokalyptik," in  
Apocalypticism in the Mediterranean World and in the Near East, ed. David Hellholm,  
Tübingen: J. C. B. Mohr [Paul Siebeck] (1983)
- Windisch, H, *Die Orakel des Hystaspes*, Verhandelingen der Koninklijke Akademie van  
Wetenschappen te Amsterdam, 1929.
- Zaehner, R. C., *Zurvan, A Zoroastrian Dilemma*, Oxford, Clarendon, 1955.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

## The presocratic philosophical legacy of ancient Greece and its influence on Zoroastrian eschatology<sup>1</sup>

Sayyed Toufiq Hosseini<sup>2</sup>

Received: 2022/11/04  
Accepted: 2023/01/16

### Abstract

The Gathas, as Zoroaster's own compositions, contain the oldest eschatological material, describing a picture of the future with a clear vision of the victory of right over wrong. The revelatory character of the text is about an involuntary and inevitable future, but in the text of the Gathas Zarathustra speaks of free will and discretion in this victory. In fact, Zarathustra's conception of this victory is based on a moral progress that leads to a voluntary decision for what is right. After the Gathas and also brief portions of the young Avesta, the most detailed accounts of the eschatology of this religion are found in the Pahlavi texts. The remarkable point is that the revelations narrated in these texts describe a dark future and the destruction of humanity in a picture completely opposed to the thoughts of Zarathustra. Undoubtedly, this contradiction in the description of the afterlife in the Zoroastrian religion shows the evolution in the intellectual nature and the structure of the philosophy of the history of the Zoroastrian religion, which has occurred under the influence of the political and social transformations of the Zoroastrian world and its confrontation with other ideas and religions. Based on this, the main problem of this research is to investigate the evolution of Zoroastrian religion's revelatory ideas, and especially the origin of the world's ages and metals in the later texts of Zoroastrian religion. By examining the texts and sources of Zoroastrian religion and Greek and Roman texts, this research concludes that with the political transformations and the collapse of the Achaemenid government and the domination of the Macedonian government over Zoroastrian land, the revelatory works of Zoroastrian religion were changed and transformed to explain and justify the situation. Based on Stoic-Hellenic revelatory texts, which presented a deteriorating image of the end of mankind, these narratives made the chaotic state of the Zoroastrian society after the fall of the Achaemenids acceptable and rational.

**Keywords:** Eschatology, eschatological revelations, Hesiodic world ages, Zoroastrian eschatology.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2023.42183.1639

2. Assistant Professor of Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. [t.hosseini@alzahra.ac.ir](mailto:t.hosseini@alzahra.ac.ir)

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507